نقل مشهوری است که می‌گوید چریک‌ها اگر نبازند، پیروزند و ارتش کلاسیک اگر نبرد، شکست خورده است
با صلح احتمالی در غزه، نبرد دو ساله چطور ارزیابی می‌شود؟

غزه نباخت

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

رژیم صهیونی پیش از ۷ اکتبر قصد داشت با توسعه پیمان ابراهیم و پیوستن کشورهایی مانند عربستان سعودی، مالزی و پاکستان به قطار عادی‌سازی از مسئله سیاسی فلسطین عبور کرده و در شرایط انزوای کامل آن‌ها، با ترور دسته‌جمعی رهبران مقاومت در غزه و لبنان و در سوی دیگر ساقط کردن دولت اسد در سوریه، کار را در شام یکسره کند.

مقامات صهیونیست آشکارا درباره این آمادگی‌ها صحبت کرده‌اند. «یوآف گالانت» وزیر جنگ سابق رژیم که بخش بزرگی از نبردها در دوره او رخ‌داده و در میانه جنگ برکنار شد، در چند نوبت اشاره کرده که در ۱۱ اکتبر، تنها ۵ روز پس از عملیات طوفان الاقصی و آغاز جنگ، رژیم صهیونی آمادگی منفجرکردن پیجرها را داشته است.

انتقال پیجرها به لبنان مدت‌ها پیش از ۷ اکتبر صورت گرفته و نشان‌دهنده آماده شدن صهیونیست‌ها برای یک عملیات بزرگ است؛ برخلاف آنچه برخی ادعا می‌کنند که عملیات حماس باعث وقوع جنگ شد.

گرچه بسیاری از این اقدامات همانند انتقال پیجرها توسط مقاومت کشف نشد، اما تحرکات و تدارکات عظیم تهیه‌شده برای نبرد عظیم پیش رو مشاهده شده و محور را به این نتیجه رساند که باید با حمله‌ای پیش‌دستانه ضمن واردآوردن ضربه‌ای بزرگ به رژیم صهیونی، زمان‌بندی عملیات آن را جلو انداخت.

رژیم صهیونی در روزهای اخیر با فشار و تحمیل آمریکا ملزم به انعقاد توافق آتش‌بس در کوتاه‌ترین زمان ممکن با حماس شد؛ گروهی که قصد داشت آن را از بین برده و با سقوط‌کردن حکومتش ساکنان غزه را نیز از سرزمین فلسطین اخراج کند.

صهیونیست‌ها با عملیات ۷ اکتبر ضربه‌ای سنگین دریافت کرده و به شکل ناهنجار و بدون تکمیل تمهیدات مجبور به اجرایی کردن طرح خود شدند. آن‌ها که جنگی بزرگ و البته کم‌تلفات برای خود را پیش‌بینی می‌کردند، تلفات سنگینی داده و علی‌رغم صرف هزینه‌های بسیار بالا، نه‌تنها فلسطین را از نظر سیاسی حذف نکردند، بلکه جنگ باعث ارتقای مسئله فلسطین در جهان شد.

۷ ضربه ۷ اکتبری به رژیم صهیونی

رژیم صهیونی ضربات سنگینی در جنگ دریافت کرده که کوتاهی از آن در ذیل آمده است.

۱ ۹۰ میلیارد دلار هزینه جنگ

هزینه‌های رژیم صهیونی در جنگ با غزه و لبنان به ۷۰ میلیارد دلار رسیده و هزینه‌های جنگ با ایران نیز ۲۰ میلیارد دلار ارزیابی می‌شود که یک بخش آن، ۷ میلیارد دلار هزینه تسلیحات دفاعی و تهاجمی استفاده شده است. ۱۳ میلیارد دیگر شامل مواردی مانند فراخوان نیروهای احتیاط و زیان‌های اقتصادی از جمله هزاران درخواست غرامت می‌شود.

بااین‌حال هزینه‌های پنهانی مانند مبالغ پرداخت‌شده برای عملیات امنیتی در داخل و پیرامون کشورهای محور مقاومت، تلفات و تخریب‌های پنهان‌شده و آسیب‌هایی که رژیم صهیونی از انتقام‌جویی‌های آتی مقاومت متحمل خواهد شد، قابل‌محاسبه نیستند.

علاوه بر هزینه‌های پنهان که محاسبه‌شان امکان‌پذیر نیست، هزینه‌های فزاینده صهیونیست‌ها نیز پنهان مانده‌اند؛ افزایش بودجه و تولیدات نظامی از هراس انتقام‌جویی محور مقاومت، ساخت‌وساز پناهگاه‌های بیشتر با عمق بالا، ذخیره‌سازی کالا و مواردی ازاین‌دست، جزء هزینه‌های فزاینده‌اند. فزاینده بودن این موارد از آن روست که میزان دقیق رشد آن‌ها مشخص نشده و به‌احتمال زیاد پیاپی افزایش خواهند یافت.

۲ بیش از ۳ هزار کشته‌شده نظامی رسمی و اعلام‌نشده

رژیم صهیونی به طور رسمی تعداد کشته‌های نظامی خود در جنگ را ۱۱۵۲ نفر اعلام کرده است که شامل کشته‌شدگان روز ۷ اکتبر و وقایع پس از آن می‌شود. تنها ۴۶۶ نفر در طی عملیات زمینی در غزه کشته شده‌اند. فضای گسترده رسانه‌ای حول دستگاه‌های نظامی وجود دارد که در مواقعی باعث درز اخبار محرمانه شده، اما هم‌زمان با این شرایط، امکان سانسور گسترده تلفات وجود دارد.

دلیل سانسورپذیر بودن جامعه رژیم به ویژگی پادگانی و همچنین شهرک‌نشین‌های مجزا و چندفرهنگی آن باز می‌گردد به‌گونه‌ای که برخی رژیم صهیونی را هیئت‌مدیره شهرک‌ها توصیف کرده‌اند. این رژیم تجمعی از شهروندان ۱۶۰ کشور است. طی جنگ بارها پیش آمده که مقاومت لبنان یا غزه با فیلم و تصاویر به‌صورت مستند تلفات تجهیزات و نفرات را ثبت کرده‌اند، اما علی‌رغم افشای آن، تل‌آویو به‌راحتی تلفات مزبور را سانسور کرده است. اگر صهیونیست‌ها امکان سانسور نداشتند، آمار رسمی کشته‌شدگان بسیار بالاتر از اعداد رسمی اعلام شده می‌بود.

۳ ۱۰۰ هزار مجروح جسمی و روانی در بخش نظامی و غیرنظامی

بر اساس گزارش روزنامه «یدیعوت آحارونوت» در جنگ طوفان الاقصی بالای ۱۸ هزار نظامی دچار مجروحیت شده‌اند که یک‌سوم آن‌ها مربوط به آسیب‌های جسمی است.

مشکل اما آنجاست که به دلیل حملات مداوم موشکی از سوی یمن، حملات مقطعی ایران، لبنان و عراق و همچنین راکت‌باران‌های دوره‌ای از سمت غزه، جبهه داخلی به‌شدت تحت‌تأثیر قرار گرفته است. بر اثر این حملات میلیون‌ها نفر در بامداد و یا میانه روز با شنیدن صدای آژیر مجبور به پناه‌گرفتن شده‌اند.

طبق اعلام بیمه رژیم صهیونی از وقایع رخ‌داده طی جنگ در بخش غیرنظامی ۸۱ هزار نفر به بخش‌های درمانی مراجعه کرده‌اند. بر اساس این گزارش ۳۰ هزار نفر به دلیل مشکلات حاد درخواست معلولیت روانی کرده، ۴ هزار نفر درخواست معلولیت جسمی داشته و ۲ هزار نفر این درخواست را بر اساس مشکلات ترکیبی جسمی - روانی ارائه کرده‌اند. مجموع آسیب‌دیدگان نظامی و غیرنظامی به نسبت جمعیت رژیم صهیونی عدد بسیار بزرگی است و به نزدیک ۱۰۰ هزار نفر می‌رسد.

۴ انحراف سالانه ده‌ها میلیارد دلار از بودجه، بی‌ثباتی محیط کار و افت شرایط زندگی

رژیم صهیونی با افزایش ۶۵ درصدی در هزینه‌های نظامی آن را به ۸/۸ تولید ناخالص داخلی رسانده است. اختصاص این میزان از درآمد ملی به بودجه نظامی، رژیم صهیونی را پس از اوکراین به دومین دولت در جهان از این نظر تبدیل می‌کند.

آنچه دولت نتانیاهو انجام داده؛ اما اولویت‌دهی به احیای شاخص‌های کلی اقتصاد برای حفظ ظاهر بوده است. تأثیرات جنگ بر اقتصاد با کمک‌های بین‌المللی، بایکوت خبری دومرحله‌ای نخست شامل بایکوت تخریب‌های صورت‌گرفته و سپس بایکوت یا انحراف آماری در اعلام شاخص‌های اقتصادی و سوداگری برای کاهش قیمت ارز مدیریت شده‌اند.

بااین‌حال علی‌رغم حفظ برخی شاخص‌های ظاهری، اوضاع صهیونیست‌ها خوب نیست. افزایش قیمت‌ها ناشی از کمبود کالا، افزایش یک‌درصدی مالیات بر ارزش افزوده و مشکلات سربازگیری که فضای کسب‌وکار را غیرمطمئن کرده‌اند، فضای دشواری برای معیشت صهیونیست‌ها ساخته‌اند.

۵ سقوط نگاه‌های مثبت در غرب از بالای ۵۰ درصد به زیر این عدد

بدون دولت‌های غربی رژیم صهیونی نه ایجاد می‌شد و نه قادر به حفظ خود در محیط غرب آسیاست. شکست عثمانی از دولت‌های غربی طی جنگ جهانی اول باعث فراهم‌شدن شرایط تأسیس رژیم صهیونی شده و در آخرین نمونه، ورود آمریکا به صحنه ضمن نجات‌دادن رژیم از سقوط در ساعات اولیه عملیات ۷ اکتبر به پشتیبانی مستقیم از تل‌آویو در برابر حملات دیگران منجر شد.

ازاین‌رو نه قدرت نظامی، بلکه جایگاه رژیم صهیونی در افکار عمومی و دولت‌های غربی است که باعث حفظ موجودیت آن شده است. رژیم صهیونی بارها در موقعیت نابودی قرار گرفت؛ اما این غرب بود که آن را احیا کرد.

در نظام دوحزبی آمریکا با آرای نزدیک، ۵۵ درصد جمهوری‌خواهان و تنها ۱۸ درصد دموکرات‌ها همچنان نگاه مثبتی به دولت رژیم صهیونی دارند، درحالی‌که پیش از این آمارها بسیار بالاتر برد.

۶ اصرار ۱۴۰ کشور بر تأسیس کشور فلسطین

کشور فلسطین روی نقشه سیاسی جهان به دلیل اشغال به طور رسمی وجود ندارد. این کشور توسط قدرت‌های جهانی به دو بخش تقسیم شده است؛ سرزمین ۱۹۴۸ که خاک اشغالی رژیم صهیونی است و سرزمین ۱۹۶۷ که از دو بخش کرانه باختری و غزه تشکیل می‌شود. طبق طرح‌های سازمان ملل و توافقات جهانی قرار بود در راهکار دودولتی، در کنار رژیم صهیونی کشور فلسطینی در سرزمین‌های ۱۹۶۷ به پایتخت قدس شرقی تأسیس شود.

جنایت‌های رژیم کار را به جایی رساند که با تظاهرات‌های شکل‌گرفته در سراسر جهان، دولت‌های مختلف حتی آنان که موجودیت رژیم به حمایتشان وابسته است برای حفظ آبروی خود و مدیریت فشارهای داخلی مجبور شدند در حرکت‌های مختلف، از جمله اقدام مشترک با حضور ۱۴۰ کشور، بر لزوم تأسیس کشور فلسطین تأکید کنند.

۷ ۲ هزار تانک و خودروی زرهی

رژیم صهیونی در طول جنگ غزه به طور تخمینی شاهد هدف قرارگرفتن ۲ هزار مورد از تجهیزات زرهی خود شامل تانک، نفربر، خودروهای زرهی و بولدوزرهای تقویت‌شده بوده است.

باتوجه‌به حفاظت زرهی بالا، سامانه‌های دفاعی و همچنین ابتدایی بودن مواد منفجره و سلاح‌های موجود در غزه، در مواردی یک تانک بیش از یک‌بار مورد هدف قرار گرفته است به این شکل که پس از آسیب بازسازی شده و در بازگشت به میدان جنگ بار دیگر هدف قرار گرفته است.

ازاین‌رو گرچه برخی تخمین‌ها نشان می‌دهد یک هزار هدف‌گیری تانک در جنگ غزه ثبت شده است، اما آمار نهایی انهدام تانک‌های مرکاوا ۴ و ۵ که رژیم صهیونی در مجموع ۶۰۰ عراده از آن‌ها را در اختیار دارد، بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ عراده است. بااین‌حال در خصوص خودروها و بولدوزرهای زرهی، آمار انهدام‌ها به دلیل ضریب موفقیت بیشتر، بسیار بالاتر است.

غزه

جنگ برای محور مقاومت و به‌ویژه غزه نیز بدون هزینه نبوده است. برخی از این هزینه‌ها به شرح ذیل هستند.

۱. تعداد شهدا: با در نظرگرفتن ۶۷ هزار شهید، ۹ هزار و ۵۰۰ مفقودی که جنازه‌هایشان هنوز زیر آوار است و ۱۲ هزار جنینی که سقط شده‌اند، مجموع تلفات انسانی غزه و یا تأثیرات جمعیتی جنگ روی مردم آن به ۸۸ هزار و ۵۰۰ نفر می‌رسد.

آمارهای منتشرشده از شهدا حکایت از وجود ۲۰ هزار نفر کودک و ۱۲ هزار و پانصد نفر زن در میان آن‌ها دارد. تعداد شهدای زیر یک سال، یک هزار نفر، تعداد شهدای کادر درمان ۱۶۰۰ نفر و تعداد خبرنگاران شهید ۲۵۰ نفر ثبت شده‌اند.

۲. مجروحان: تعداد مجروحان در غزه برابر با ۱۷۰ هزار نفرند؛ این عدد برابر با ۷/۴ درصد از جمعیت این منطقه است. با درنظر گرفتن شهدا، ۱۰/۷ درصد از جمعیت غزه طی جنگ شهید یا زخمی شده‌اند.

۳. اثرات بر خانواده‌ها: ۲۷۰۰ خانواده بر اثر شهادت ۸۵۰۰ نفر به طور کامل از بین رفته‌اند. تعداد خانواده‌هایی که تنها یک عضو از آن‌ها باقی مانده، به ۶ هزار مورد می‌رسد. همچنین تعداد کودکانی که هردو والد خود را از دست داده‌اند ۵۶ هزار نفر است.

تعداد خانه‌های تخریب‌شده به ۲۶۸ هزار مورد و منازل با سطح تخریب بالا به ۱۴۸ هزار مورد می‌رسند. در این میان اماکن عمومی‌ای که به طور کامل نابود شده‌اند شامل ۸۳۵ مسجد، ۳۸ بیمارستان، ۹۶ مرکز درمانی و ۱۶۵ مرکز آموزشی می‌شود.

علیرضا مجیدی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ادامهٔ عملیات نظامی اسرائیل منوط به پیشرفت پیمان ابراهیم است

زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

کابینه نتانیاهو بامداد جمعه، توافق شرم‌الشیخ را تصویب کرد و براین اساس فاز اول توافق امروز شنبه اجرایی می‌شود، اما همچنان سؤالات و ابهامات زیادی در مورد توافق شرم‌الشیخ وجود دارد. آیا بعد از اجرای توافق و آزادی تمام گروگان‌ها، اسرائیل توافق را نقض و حملات جدید را شروع می‌کند؟ پایان جنگ در غزه مقدمه شروع اعمال فشار علیه دیگر محورهای مقاومت خواهد شد یا خیر؟ برای پاسخ به این ابهامات با علیرضا مجیدی، کارشناس مسائل خاورمیانه گفت‌وگو کردیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

سرنوشت صلح غزه مشروط به سه مسئله

مجیدی اجرای توافق یا توقف کامل جنگ در غزه را مشروط به سه مسئله دانست و گفت: «سه مسئله در مورد توافق غزه مطرح است و باید به آن توجه کرد. مسئله اول مراحل پیشرفت این توافق است. فاز یک این توافق که مشخص است و اجرا می‌شود، اما برای فاز دوم باید دستگاه اجرایی گرداننده امور غزه شکل بگیرد؛ آن چیزی که به بیان حماس حکومت تکنوکرات نامیده شد. این کار ساده‌ای نیست. دستگاهی که با اغماض به آن، اداره یا حکومت اجرایی خودگردان غزه می‌بایست شکل بگیرد و این خود یک مسئله است. می‌دانیم که این اداره خودگردان نه فتح است نه حماس. اینکه این اداره چگونه و در چه فضایی شکل بگیرد، نکته دیگر است. مسئله بعدی خلع سلاحی است که ذیل آن می‌بایست انجام شود که چالش کوچکی نیست. غیر از آن ما با دو مسئله دیگر هم مواجهیم که فوری‌تر به نظر می‌رسد. یک اینکه قرار است حماس تمام جنازه‌های گروگان‌ها را نیز تحویل دهد و نه فقط گروگان‌های زنده. حماس اعلام کرده که به جنازه‌ها دسترسی ندارد. اقتضای این موضوع این است که آواربرداری صورت گیرد. در آواربرداری‌ها ممکن است ارتش اسرائیل، دسترسی بیشتری به شبکه زیرزمینی قسام پیدا کند، این قسمت آواربرداری نیز یک چالش است. موضوع آخر هم اینکه نیروهای مسلح بومی غزه، مزدور و تابع اسرائیل بودند که معروف‌ترین آن همان یاسر ابوشباب است. سرنوشت این‌ها هم مسئله است. ممکن است در فضای غیررسمی، حماس به سمت انتقام از این خائنان برود. مجموع این سه مسئله (۱. تشکیل کیان اداری جدید و خلع سلاح حماس ۲. آواربرداری برای یافتن جنازه‌های گروگان‌ها ۳. سرنوشت دو گروه غزاوی مزدور صهیونیست‌ها) مشخص می‌کند که این توافق پایدار خواهد بود یا خیر.»

برقراری صلح منوط به پیشرفت یا عدم پیشرفت پیمان ابراهیم است

مجیدی در مورد اینکه چقدر احتمال دارد بعد از پایان جنگ غزه، آمریکا و اسرائیل به سراغ پرونده‌های دیگر در یمن، عراق و لبنان بروند، گفت: «از نگاه ترامپ این یک توافق بر سر غزه نیست، بلکه توافق بر سر غزه مقدمه رویداد مهم‌تری است و باید در منطقه، تحولات جدی‌تری رخ دهد. اولین مسئله، پیشبرد فرایند عادی‌سازی و پیوستن کشورهای عربی به پیمان ابراهیم است. این باید قاطع جلو برود. مسئله دوم، امکان اینکه اسرائیل با فراغت نسبی از غزه خود را آماده جنگ با لبنان کند، جدی است. مسئله در مورد عراق و یمن و ایران بسیار متفاوت است و آن را می‌تواند به موازات غزه پیش ببرد، اما در مورد لبنان نیروی زمینی نیاز است. در جنگ ۶۶ روزه نیز دیدیم که اسرائیل بسیار محتاطانه رفتار می‌کرد. باید این را در مورد لبنان در نظر بگیریم که این بار با عده قدرتمندتری بخواهد دست به عملیات بزند، اما بحث عملیات نظامی منوط به معادلات سیاسی است و معادله سیاسی اصلی پیشرفت پیمان ابراهیم است. اگر این‌ها ببینند پیمان ابراهیم پیشرفت نسبی دارد، در لبنان دست به اقدامی نمی‌زنند که روند پیش‌رونده پیمان ابراهیم متوقف شود.»

حفظ حیات سیاسی نتانیاهو مشروط به اعمال فشارهای آمریکا به مخالفان

سؤال اساسی این است که با فرض اجرای صلح در غزه، فضای سیاسی در سرزمین‌های اشغالی به چه سمت‌وسویی خواهد رفت. مجیدی در این مورد توضیح داد: «برای قضاوت در این مورد زود است، باید نظرسنجی‌ها را ببینیم و بسنجیم. قاعدتاً مخالفان نتانیاهو تلاش می‌کنند این ماجرا را نشان‌دهنده شکست نتانیاهو و بلندپروازی‌های بی‌جهت او بخوانند و بگویند نتانیاهو بعد از ترور سنوار می‌توانست به این هدف برسد و بی‌جهت توافق مارس را نقض کرده است و می‌شد این بازه زمانی ۷، ۸ ماهه رخ ندهد و کشور بی‌جهت درگیر نشود و چه بسا گروگان‌هایی در این فاصله مرده باشند. اما جنبه مهم دیگری که باید در معادلات و تحلیل‌ها در نظر بگیریم این است که با رفع و رجوع پرونده جنگ غزه و این قید و شرط که آمریکا فشار آورده باشد، آمریکای ترامپ می‌تواند به گانتز و لاپید هم فشار بیاورد که وابستگی نتانیاهو به جناح صهیونیست مذهبی کم شود. با فرض بقای دوحزب حریدی شاص و یهودیت تورات متحد دولت، دولت نتانیاهو ۶۷ کرسی از مجموع ۱۲۰ کرسی کنست را دارد. از این ۶۷ کرسی، ۱۸ کرسی به احزاب حریدی و ۱۳ کرسی به ائتلاف صهیونیسم مذهبی می‌رسد. مسئله اصلی این ائتلاف این است که به راحتی نباید با بقای حماس کنار آمد، باید آن را نابود کرد و حتی ایدئال آن است که غزه را الحاق کرد. در ۱۸ کرسی، بحث سربازی حریدی‌ها مهم‌ترین چالش است. در مورد سربازی حریدی‌ها، با پایان جنگ در غزه نیاز ارتش به سرباز جدید کم می‌شود و حتی سربازهای ذخیره می‌توانند به زندگی عادی برگردند. لذا نتانیاهو می‌تواند بحران سربازی حریدی‌ها را مقداری مدیریت کند و مسئله آن ۱۸ کرسی را تا حدی رفع و رجوع کند. در مورد صهیونیسم مذهبی، ۱۳ کرسی با پایان جنگ به شکل فعلی مخالفت می‌کنند، حتی با اینکه کابینه هم رأی می‌دهد این‌ها ابراز مخالفتشان را ادامه می‌دهند. البته این ۱۳ کرسی به دو کرسی ۶ و ۷ تقسیم می‌شود و می‌توان آن را مدیریت کرد. در اینجا این احتمال را باید بدهیم که تحت فشار آمریکا لاپید و گانتز وارد ائتلاف با نتانیاهو شوند و در ازای خروج صهیونیسم مذهبی از کابینه، این‌ها از کابینه حمایت کنند. اگر نتانیاهو بتواند این مدل را به شکل دیگری بعد از انتخابات ۲۰۲۶ اجرا کند، بقای سیاسی‌اش نیز تضمین می‌شود. نکته محوری این است که نتانیاهو مخالف پایان جنگ غزه باشد، اما خواسته ترامپ را بپذیرد و متقابلاً از ترامپ بخواهد تا کاخ سفید به گانتز و لاپید فشار بیاورد. این دو برخلاف نتانیاهو، به خصوص گانتز، خیلی متأثر از سیاست رسمی آمریکا هستند.»

حسن لاسجردی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

حمایت و یتکاف از نتانیاهو در جلسهٔ کابینه مصلحتی بود

زهرا طیبی
خبرنگار گروه سیاست

یکی از چالش‌های اساسی که پیش روی نتانیاهو قرار دارد، سرنوشت انتخابات است. پیش از این، این احتمال وجود داشت که ادامه جنگ غزه شرایط را برای پیروزی لیکودی‌ها در انتخابات سخت می‌کند. تصویب اجرایی شدن فاز اول توافق این احتمال را تقویت می‌کند که شرایط برای لیکودی‌ها کمی بهتر شود. با این حال سؤال اساسی این است که امضای توافق صلح غزه، فضای سیاسی سرزمین‌های اشغالی را دچار چه تحولاتی خواهد کرد. برای پاسخ به این سؤال با حسن لاسجردی، کارشناس مسائل خاورمیانه گفت‌وگو کردیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

توافق صلح غزه؛ بردی دوطرفه

لاسجردی در مورد اینکه شرایط غزه بعد از اجرای توافق چگونه خواهد بود، گفت: «آنچه مسلم است این که در طرح صلح، علاوه بر حماس، مصر، قطر و کشورهای دیگر مانند ترکیه و بقیه نیز حضور دارند. به نظر می‌رسد این توافق، توافقی اصطلاحاً فراملی است و صرفاً حماس طرف آن نیست. لذا من معتقدم که این یک برد دوطرفه است. از یک‌سو حماس توانسته شروط خود را - مثل عقب‌نشینی و مسائل مربوط به تبادل اسرا - به طرف مقابل بقبولاند و از سوی دیگر خود را به عنوان طرف معامله به اثبات رسانده است. به‌رغم خواست نتانیاهو و تیم افراطی‌اش (لیکودی‌ها)، حماس همچنان به‌عنوان یک بازیگر مهم در سرزمین‌های اشغالی فعالیت می‌کند؛ درحالی‌که تمام همّ و غمّ نتانیاهو و تیمش بعد از طوفان الاقصی این بود که حماس را از مدار بازیگری خارج و نابودش کند. لذا به نظر من این توافق بازی دو سر برد برای حماس است؛ هم از این نظر که هنوز زنده است و بازیگری می‌کند و طرف گفت‌وگو است و هم از این جهت که توانسته شروط خود را به طرف مقابل تحمیل کند و بازیگران مختلفی را وارد میدان سازد تا در میانجی‌گری و اعمال توافق نقش داشته باشند و آن را به مرحله اجرا برسانند. نکته خیلی مهم‌تر این است که حماسی‌ها تلاش می‌کنند تضمین‌های لازم را بگیرند، لذا حضور بازیگران مختلف و نقش‌آفرینی آنان و مذاکراتی که در جاهای مختلف انجام شده - چه در دوحه، چه در مصر و چه در دیگر کشورها - نشان می‌دهد حماسی‌ها عجله‌ای برای نهایی شدن این طرح صلح نداشته‌اند، بلکه تلاش کرده‌اند با طرف‌های مختلف گفت‌وگو کنند و از هنر و ابزار دیپلماسی استفاده کنند و به نوعی با پشتوانه قدرت‌های مختلف این کار را انجام دهند.»

اسرائیل به جهت کنترل افکار عمومی تمایل کمتری به شروع جنگی تازه دارد

لاسجردی در مورد اینکه بعد از این توافق جنگی آغاز خواهد شد یا خیر، توضیح داد: «من فکر می‌کنم اگر جنگی رخ دهد، با توجه به اینکه اکنون رژیم در منظر کشورهای مختلف اروپایی، آمریکای لاتین، آسیای شرقی و غربی منفور است، احتمالاً ترجیح خواهد داد که دامنه این وحشی‌گری را کاهش دهد و تا حدی به جامعه انسانی بازگردد. با توجه به نقش‌آفرینی افرادی مانند ترامپ و دیگران، رژیم صهیونیستی دیگر تمایلی ندارد دوباره به سمت جنگ، نزاع و درگیری برود و می‌خواهد تا حدودی فشار افکار عمومی را کنترل کند.»

حرکت آمریکا به سمت دیگر پرونده‌های مقاومت یکی از احتمالات است

آنچه در فضای تحلیلی مطرح می‌شود این است که احتمال دارد با پایان جنگ غزه، اسرائیل و آمریکا به سراغ پرونده‌های دیگر بروند. لاسجردی در این مورد گفت: «آنچه مسلم و قابل پیش‌بینی است، این یکی از احتمالات است. آنچه مهم است این که رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، با توجه به نزاع بزرگی که در سطح بین‌المللی میان آن‌ها و قدرت‌های شرقی مانند روسیه و چین وجود دارد، می‌خواهند در این منطقه اعمال قدرت کنند. مدل ترامپ بر این مبناست که او حتی صلح را از طریق قدرت و زور می‌خواهد اعمال کند. لذا اینکه در آینده نزدیک، در جریان حل مسئله غزه و تحولات سرزمین‌های اشغالی، آمریکا و اسرائیل به سمت مقابله با دیگر نیروهای مقاومت بروند، یکی از محتملات است. اما اینکه حتماً این کار انجام خواهد شد و آن‌ها را در میدان از بین خواهند برد یا نه، پرسشی است که هنوز پاسخ قطعی ندارد. اینجاست که سؤال اصلی مطرح می‌شود؛ اگر بخواهند نیروهای مقاومت در منطقه را یکی‌یکی هدف قرار دهند، آیا واقعاً می‌توانند همه آن‌ها را از مدار حرکت، نقش‌آفرینی و میدان‌داری تحولات بیرون کنند؟ نظر من این است که ایالات متحده و اسرائیل در حال حل مسئله غزه هستند تا بتوانند تبعات آن را جمع کنند؛ چراکه خود موضوع تحولات داخلی سرزمین‌های اشغالی مسئله ساده‌ای نیست. نمی‌توان گفت حالا که یک طرح صلح اجرا شده، تمام مشکلات حل می‌شود و اسرائیل به سراغ مسائل دیگر می‌رود. به گمان من خود موضوع غزه و به نتیجه رساندن آن و نگاهی که نتانیاهو و تیم لیکودی‌ها به این سرزمین دارند، مسئله‌ای باز و دارای تبعاتی است که آمریکا نیز به‌شدت آن را دنبال می‌کند. اسرائیل حالا حالاها با این موضوع دست به گریبان خواهد بود. اما اینکه آیا به سراغ نیروهای دیگر منطقه خواهد رفت یا نه، بستگی به بازیگری نیروهای مقابل دارد. یعنی به هر صورت، آمریکا و اسرائیل محاسبه می‌کنند که اولاً قدرت نیروها چقدر است، ثانیاً در کجاها به منافع آن‌ها ضربه زده یا خواهند زد و مهم‌تر از همه اینکه رفتار این نیروها در آینده چگونه خواهد بود. فکر می‌کنم این‌ها سؤال‌هایی است که در رابطه با آینده پرونده مقاومت در منطقه، ما با آن‌ها مواجه هستیم.»

آمریکایی‌ها مشتاق ادامه حیات سیاسی نتانیاهو نیستند

با توجه به حمایتی که ویتکاف از نتانیاهو در جلسه کابینه داشت، این سؤال مطرح است که آیا آمریکا از حضور نتانیاهو در قدرت حمایت خواهد کرد. لاسجردی در این مورد توضیح داد: «من این حمایت را مصلحتی می‌دانم، به این خاطر که الان لیکودی‌ها بر سر کار هستند و ایالات متحده وقتی می‌خواهد به مذاکره، گفت‌وگو یا طرح صلحی ورود کند، نمی‌تواند بدون حمایت طرف مقابل این کار را انجام دهد. اما اینکه آیا در انتخابات از او حمایت خواهد کرد یا نه، یکی از همان سؤال‌های اساسی است. با توجه به تجربه‌ای که از انتخابات مختلف در داخل سرزمین‌های اشغالی داریم، آمریکایی‌ها در این زمینه کمی ملاحظه می‌کنند؛ به‌ویژه حالا که می‌دانیم بین نتانیاهو و ترامپ اختلافاتی وجود دارد. از طرفی، این طرح صلح درحقیقت با فشار آمریکایی‌ها به نتیجه رسیده و آن‌ها برای آن خیلی تلاش کردند. حالا میان دو طرف اختلافاتی شکل گرفته است. اگر آمریکایی‌ها قرار باشد بین مثلاً نتانیاهو و افراد دیگر انتخاب کنند، باید دید طرف دوم یا سوم چه کسانی هستند. اگر طرف‌های معقول‌تری باشند، فکر می‌کنم آمریکایی‌ها چندان مشتاق تداوم حضور سیاسی نتانیاهو نخواهند بود.»

شنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۴
شماره ۴۵۲۷
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE